

آینه

● استغفای محمدجواد ظریف باعث شد روز گذشته اکثر روزنامه‌ها از هر طیف سیاسی به این موضوع به صورت ویژه بپردازند. مطالب امروز این ستون همگی درباره بحث استغفای وزیر خارجه از چهار روزنامه سراسری انتخاب شده است:

ایران

آقای ظریف انتظار این نبود!

● **حسین شریعتمداری:** با وجود اختلاف‌نظر با آقای ظریف، حتی یک موی ایشان را هم با تمامی تیم‌های مذاکره‌کننده ۵+۱ عوض نمی‌کنیم.
ولسی وزارت خارجه در دوران وزارت جناب ظریف کارنامه قابل قبولی نداشته است که سرانجام فاجعه‌بار برنامه یکی از اصلی‌ترین نمونه‌های آن است و صدا البته در این میان و مخصوصا در ماجرای ناکامی خسارت‌بار برجام، نمی‌توان نقش ریاست محترم جمهوری و تصمیم‌های ایشان را نادیده گرفت.
تصمیم‌هایی که بسیاری از مشکلات اقتصادی کنونی را به دنبال داشته است و برخی از آنها را باید به حساب اعتماد بی‌جا به غرب وحشی و حيله گر فاکتور کرد.
در این زمینه انتظار از آقای ظریف این بوده و هست که میدان آن ترک نکنند.
هم‌اکنون، این تلقی در افکار عمومی شکل گرفته است که چرا برخی از وزرا به‌جای پاسخ‌گویی در مقابل عملکرد چندساله خود، میدان را خالی می‌کنند؟
پاسخ‌گوی عملکرد خود نیستند؟!
که خواسته و مطالبه قابل‌قبولی نیز هست.
انتظار آن است -و ضرورت نیز دارد- که آقای ظریف نیم‌نگاهی به میدان‌های دور و نزدیک و دشمنان بیرونی و دنباله‌های داخلی و همسو با آنان ببینازند و سوت و کف و هلهله آنها را از استغفای خود نظاره کنند.
چه کسانی از استغفای ایشان به وجد آمده و شادی می‌کنند؟!
دشمنان بیرونی استغفای ظریف‌را با استنادی مضحک، نشانه ناکارآمدی نظام معرفی می‌کنند!

حسن رضایی

آقای ظریف؛ شوخی نکن!

● **حسن رضایی:**... بود و نبود آقای ظریف به نظم همان‌قدر بر تغییر مسیر برجام تأثیر دارد که آقای هاشمی طبّا بر روند انتخابات ریاست‌جمهوری تأثیر داشت!
جایگزین‌های احتمالی هم تفاوت چندانی با ظریف ندارند.
اگر ظریف احساساتی استعفا می‌کند، عراقچی هم به خاطر گریه‌های وندی شرمن، با درخواست‌های طرف آمریکایی در مذاکرات موافقت کرده است!
این استعفا‌بازی اما اگر برای ملت آب نیست، برای شخص ظریف و بلکه آقای هاشمی طبّا و دولت نان هست!
فالوئیرهای هاشمی طبّا افزایش خواهد یافت، ظریف تا حد امکان مظلوم‌نمایی کرده، غیریاسخ‌گوتر خواهد شد.
دولت تدبیر هم مسئله را از ارتباط گرانی و کشایش‌های روزانه برجام به نخودسیاه جدیدی تغییر خواهد داد.
تمام اینها اما نباید باعث نادیده‌گرفتن یک وجه مهم شخصیت آقای ظریف و تفکر حاکم بر وزارت امور خارجه در سال‌های اخیر شود.
به‌راستی فردی که قریب شش سال یک ملت ۸۰ میلیونی را معطل خود و برنامه‌های برجامش کرده است، چگونه می‌تواند یک‌شبه و ناگهان، به دلیل یک ناهماهنگی بزند زیر میز باری؟!

احمد

وجه‌المله

● **علی میرفتاح:** نمی‌خواهم با بالا بردن ظریف بقیه را پایین بیاورم.
شان و مقام هرکسی محفوظ است و هرکسی اگر کار خوب و ماندگار کرده در پیش خدا و خلق خدا ماجور است.
اما عرضم چیز دیگری است.
می‌خواهم بگویم که با فاصله زیاد ظرف مردمی‌ترین وزیری است که ملت به خود دیده است و برایش احترام قائل است.
حتی دشمنان هم -لااقل آنها که از نجابت و انصاف بهره‌مندند- او را به چشم دیگری می‌نگرند و خرم‌تش را نگه می‌دارند.
من تعریف ظریف را هم از نخبه‌ها شنیده‌ام، هم از مردم کوجه و بازار.
حتی راننده‌های اسنپ که از پری از زمین و آسمان دارند، ظرف و یکی، دو وزیر دیگر را استننا می‌کنند.
این روزها که مسابقه فشن به دولت راه افتاده و در بدگویی از وضعیت نامناسب اقتصادی، عام و خاص گوی نامز‌ارگویی را از هم می‌ربایند، سهم ظریف از همه کمتر است.
گفت کر رنج پشت آید وگر راحت ای حکیم/ نسبت مکن به غیر که اینها خداکند.
مهر افرد را نیز خدا به دل مردم می‌اندازد.

جمهوری اسلامی

این قهرمان ملی را حفظ کنید

● علت استعفای ظریف فقط به حساب‌نیاوردن او و وزارت امور خارجه در سفر بشار اسد نیست.
این واقعه، نقطه اوج ماجرابی است که وزیر خارجه فعال و شجاع و پرتحمل ما علی‌ر توجیه نیست.
لازم جدی برای پیشبرد اهداف کشور با مذاکره، توانست از سلاح پر قدرت مذاکره برای ناکام‌ساختن دشمنان غدار استفاده کند و کشور و انقلاب و نظام را از گردنه‌های پرخطر عبور بدهد.
به‌حساب‌نیاوردن چنین مسئول دلسوزی در موضوعی که مستقیما به حوزه مسئولیت او مربوط است، به‌هیچ‌وجه قابل توجیه نیست.
لازم نیست رئیس‌جمهور روحانی بابت این غفلت از دکتر ظریف دلجویی کند، زیرا او به دلجویی نیاز ندارد.
آنچه لازم است، این است که آقای رئیس‌جمهور به هر طریقی که می‌تواند این وزیر پرتوان و کارآمد را در کابینه نگه دارد و جلوی خسران کشور و ملت و انقلاب و نظام را با از دست‌دادن او بگیرد.

دیپلماسی

۳۰ ساعت پس لرزه

و سفرای ایران در کشورهای دیگر مسئله برخی دخالت‌ها در کار سیاست خارجی مورد اشاره آنهاست و به جرئت می‌توانم بگویم که بخش‌های منتشرنشده اغلب این مصاحبه‌ها که به‌سبب اعتماد مصاحبه‌شوندگان مطرح می‌شود، بیش از آن چیزی است که منتشر می‌شود.
نمونه منتشرشده اخیر، مصاحبه چندی پیش علی ماجدی، سفیر بازنشسته‌شده ایران در آلمان، در خبرگزاری ایسنا بود که از دخالت خودسرها در کار سیاست خارجی انتقاد کرده بود و منجر به واکنش‌های عجیب و غریبی شد؛ آن‌قدر که وزارت خارجه مجبور شد توضیحی درباره آن اظهارات بدهد و نقل به مضمون بنویسد:

«این نظر شخصی ایشان است که اکنون بازنشست شده و به کشور بازگشته».
اتفاقا همین نکته درست بود؛ سفیری که در بطن کار است می‌بیند که چه



نخستین ملاقات ظریف با روحانی بعد از استعفا، تکیه، ۱۳ خرداد

استعفا پذیرفته نشد

سردار سلیمانی: ظریف مسئول سیاست خارجه ایران است



عسکر، مهدی قاسمی، ابیستا

گفت‌وگوی تلفنی ظریف با وزیر خارجه سوریه

ایسنا به نقل از خبرگزاری دولتی سوریه (سانا): روز گذشته محمدجواد ظریف با ولید معلم، همتای سوری خود، تماس گرفت و در جریان این تماس «راه‌های تقویت روابط استراتژیک میان دو کشور» مورد راینزی قرار گرفت.
او طرف در این گفت‌وگوی تلفنی همچنین نتایج دیدار تاریخی بشار اسد از تهران را مورد بررسی قرار دادند.
بشار اسد در روز دوشنبه در سفری از پیش اعلام‌نشده به ایران آمد و با مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهور دیدار کرد.

گرو خدمت به این مرزوبوم و مردم بزرگ دارم و به عنوان خدمت‌گزاری کوچک هیچ دغدغه‌ای جز اعتلای سیاست خارجی و اعتبار وزارت امور خارجه به‌عنوان مسئول پیش‌برد سیاست خارجی و خط مقدم دفاع از منافع ملی و حقوق مردم پیش‌بر ایران در عرصه بین‌المللی نداشته‌ام.
امیدوارم وزارت امور خارجه با همکاری و همدلی همگان و درایت، هدایت و نظارت مقام معظم رهبری، ریاست محترم جمهوری بتواند کلیه مسئولیت‌های خود را در چار چوب قانون اساسی و قوانین کشور و سیاست‌های کلی با اقتدار و صلابت به انجام برساند.

سردار سلیمانی: ظریف مسئول سیاست خارجه است

سردار سلیمانی نیز به استعفا‌ی وزیر خارجه واکنش نشان داد. او که در دیدارهای بشار اسد با مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهوری حضور داشت، گفت: «حتما آقای ظریف مسئول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است و طی مدت مسئولیت در وزارت امور خارجه کشورمان همواره موردحمایت و تأیید مقامات عالی‌رتبه نظام، به‌ویژه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بوده و هستند.
ایشان برای تأمین منافع ملی کشور پیوسته اقدامات ارزشمندی را در سطوح گوناگون انجام داده و در مسیر مبارزه با دشمنان قسم‌خورده انقلاب اسلامی و ملت ایران نیز همراهی لازم را داشته‌اند».
به گزارش سپاه‌نیز، سردار سلیمانی با اشاره به حضور نداشتن ظریف در ملاقات اخیر رئیس‌جمهوری سوریه با حسن روحانی افزود: «در جریان سفر اخیر آقای بشار اسد به تهران و ملاقات او با آقای دکتر روحانی رئیس‌جمهور محترم، برخی ناهماهنگی‌ها در نهاد ریاست‌جمهوری که مطرح هم شده، منجر به عدم حضور وزیر خارجه کشورمان در این ملاقات و متعاقبا گلیایه‌مندی ایشان شده است».
فرمانده نیروی قدس سیاه تأکید کرد: «قرائن نشان می‌دهد هیچ‌گونه تعدمی برای عدم حضور آقای دکتر ظریف در این ملاقات نبوده است و باید تأکید کنم ایشان به‌عنوان وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران مسئول اصلی در حوزه سیاست خارجی کشور هستند».

او همچنین با اشاره به ذوق‌زدگی ضدانقلاب و دشمنان ملت ایران

عواملی مانع پیشرفت کار سیاست خارجی است. او موظف است این واقعیت‌ها را گزارش دهد تا آنها که در داخل کشور مسئول پیگیری امر هستند، دست خاپیان را کوتاه کرده و بگذارند نهاد اصلی کار خود را انجام دهد.

این حکایت اما پیچیده‌تر از اینهاست. وزارت خارجه در نهایت صوری در حوزه‌های مختلف با نهادهای موازی در حال کار است، اما دست‌کم انتظار دارد که در تمهه این همکاری، شان و جایگاه وزارت خارجه رعایت و مشخص شود که وزیر خارجه زینت‌المجالس نیست. این نارضایتی تلنبارشده آن‌وقت موجب فوران می‌شود که گویا برخی دخالت‌ها و ناهماهنگی‌ها در داخل دولت نیز وجود دارد که به نظر می‌رسد مورد اخیر یکی از همین ناهماهنگی‌ها بود؛ اگرچه هنوز بر این باورم

اینها در حالی است که محمدجواد ظریف را این روزها به همان اندازه‌ای نیاز داریم که قرار بود جان کری و کاترین اشتون را تا نیمه‌شب بیدار نگه دارد تا بر سر مفاد توافق، به نتیجه برسند. این روزها

پرونده نیمه‌باز دیپلماسی بسیار داریم؛ تدوین قانون اساسی در سوریه، آتش بس در یمن، اجرانی‌کردن اینستکس با اروپایی‌ها و از همه مهم‌تر، مواجهه با تیم سرکار در ایالات متحده آمریکا که تا آخرین سنت کارزارهای انتخاباتی‌شان ضد ایران می‌جنگند.

روا نیست با وزیر خارجه کاری کنیم که هر کجا مصاحبه می‌کند از فشار داخلی بیش از فشار خارجی بنالد. برای او مواجهه با ادعاهای خارجی بدیهی است و برای این‌کار آب دیده شده اما مواجهه با فشارهای سیاسی و حزبی داخلی برای فردی که کار حزبی نمی‌کند، سخت و طاقت‌فرسا است.
همین‌ها نیز ظریف را به آنجایی می‌رساند که به گلابه بگوید: «من به نتانیاهو حمله می‌کنم، شما به من حمله می‌کنید، دمتان گرم».

از این اتفاق، گفت: «این ذوق‌زدگی و سوارشدن بر موج اتفاقی که ناشی از سهل‌انگاری اداری است، هیچ تأثیری بر اراده نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در پیشبرد اهداف و منافع ملی و نیز پیروزی درخشان جبهه مقاومت اسلامی نخواهد گذاشت و ملت باعظمت ما تحت زعامت و هدایت‌های مقام معظم رهبری مسیر آینده روشن و تمدن‌ساز انقلاب و صیانت از امنیت و منافع ملی خود را با وحدت و جدیت دنبال خواهد کرد».

وزیر ارتباطات: شرف‌المکان بالمکین

موافقت‌نکردن رئیس‌جمهوری با استعفا‌ی وزیر خارجه با واکنش مثبت مسئولان دولتی مواجه شد.
محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، سه‌شنبه‌شب با انتشار عکسی از خود و محمدجواد ظریف در صفحه اینستاگرام خود نوشت: در دیشب نمونه‌هایی از پیام‌های مردم را که برای من ارسال شده است برایش فرستادم و نوشتم: «بیش از ۲۰۰۰ پیام از اقشار مردم فقط برای من آمده. خواستم بگویم: شرف‌المکان بالمکین، شان تو و دستگاه دیپلماسی به نظر مردم است».
از رد استعفا و حضور مجددش در دولت، خوشحالم.

محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور، نیز روز گذشته در صفحه توئیتر خود نوشت: «باعث شوقمندی است که اعلام کنم برغم ذوق‌زدگی دشمنان قسم‌خورده انقلاب و نظام، با عدم پذیرش استعفا‌ی دکتر ظریف از سوی رئیس‌جمهور، مجموعه دولت همچنان از حضور موثر و بانشاط ایشان بهره‌مند خواهد بود».
پرویز اسماعیلی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور در توئییتی نوشت: «ظریف با حمایت بی‌سابقه همه مقامات عالی سیاسی و نظامی کشور، همچنان وزیر خارجه و نافذترین سخنگوی بین‌المللی ایرانیان است و برای منافع ملی می‌جنگد.
چه خبر بدی برای نتانیاهو و ذوق‌زده‌های پریشب و دیروز و امروز صبح که خواب آشفته‌شان برای ایران عزیز تعبیر نشد.
بوسیدمش از طرف مردم».

حسام‌الدین آشنا: روسیاهی به زغال خواهد ماند

رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری هم در توئییتی با استفاده از هشتک ظریف نوشت: «تو به خود نامدی اینجا که به خود باز روی».

حسام‌الدین آشنا همچنین به اظهارات بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، واکنش نشان داد و در توئییتی نوشت: «از نظر حسن روحانی، ایران تنها یک سیاست خارجی و یک وزیر امور خارجه دارد».

هنوز زود است که نتانیاهو و رهروانش از دست و زبان ظریف خلاص شوند. زمستان گذشت ولی روسیاهی به زغال خواهد ماند».
نتانیاهو در صفحه توئیتر خود به زبان عبری نوشته بود: «واکنش من به استعفا‌ی ظریف: ظریف رفت؛ از دستش راحت شدیم. مادامی که من اینجا هستم، رژیم ایران به سلاح هسته‌ای نخواهد رسید».

نگرانی موگرینی برای استعفا‌ی ظریف

هرچند در نهایت رئیس‌جمهوری با استعفا‌ی ظریف موافقت نکرد، اما پیش از اعلام آن، خبر استعفا‌ی ظریف واکنش‌های مقامات اروپایی را نیز برانگیخته بود.
یورونیوز (مطله‌العالی) که یک منبع اعلام کرد که رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا درباره استعفا‌ی وزیر خارجه ایران نگران بوده و امیدوار است که این امر تأثیری بر توافق هسته‌ای نگذارد.
این منبع گفته بود که موگرینی شرایط را به دقت دنبال می‌کند و امیدوار است تأثیری نگذارد.
صرف‌نظر از این، سیاست اتحادیه اروپا تغییری نخواهد کرد.

ژان ایو لودریان، وزیر خارجه فرانسه، نیز در واکنش به خبر استعفا‌ی ظریف گفته بود فرانسه همچنان به توافق هسته‌ای با ایران پاینده است و تا زمانی که ایران به تعهدات تعهد‌های‌اش پایبند باشد، حمایت ما از توافق ادامه خواهد داشت.

یادداشت

هویت ملی ایران، زدودنی نیست

میرمهرداد میرسنجری

● این روزها هم‌زمان است با حسرت صدونودویکمین سالگرد قرارداد شوم ترکمانچای، قراردادی ظالمانه و شرم‌آور منعقدشده در پنجشنبه یکم اسفند ۱۲۰۶ خورشیدی که بر پایه آن افزون بر سرزمین‌های پیش‌تر جداشده در قرارداد گلستان شامل باکو، گنجه، دربند، دافستان، چیچنستان، گرجستان و... سه ایالت دیگر قفقاز، یعنی ایروان، نخجوان و بخش‌های دیگری از تالش زیر سلطه روس‌ها قرار گرفت، حاکمیت ایران بر دریای کاسپی محدودتر شد و مردم ایران مجبور به پذیرش کاپیتولاسیون (قضاوت کنسولی) شدند.
بدین‌سان در عهدنامه ترکمانچای در مجموع حدود ۳۰ هزار کیلومترمربع دیگر، شامل ۲۰ هزار کیلومترمربع از ارمنستان امروزی، پنج‌هزار کیلومترمربع از ترکیه امروزی (شامل کوه آرارات و شهر ایغیر که در آن زمان بخشی از خانات ایروان بود) و پنج‌هزار کیلومترمربع از جمهوری باکوی امروزی (شامل تالش شمالی و لنکران و لریک و منطقه نخجوان) از ایران جدا شدند.
یعنی در مجموع دو عهدنامه گلستان و ترکمانچای، حدود ۲۵۰ هزار کیلومترمربع از سرزمین ایران تجزیه و به روسیه تزاری ملحق شد که امروزه این سرزمین‌ها، بخش‌هایی از فدراسیون روسیه، گرجستان، ارمنستان، جمهوری باکو و ترکیه را تشکیل می‌دهند.
درحالی‌که افکار عمومی ملت ایران یاد مناطق جداشده در این دو عهدنامه شوم و ننگین را با نام ۱۷ شهر قفقاز(۱۷ ولایت قفقازی ایران) همچنان زنده نگه داشته و البته روسیه طاق نصرت باشکوه ساخته‌شده به یاد ترکمانچای را در شهر سنت‌پترزبورگ مانند اثری بارزش پاس می‌دارد و این روز را جشن می‌گیرد، در این روزها، چند برنامه تلویزیونی درباره رویداد غم‌انگیز اشغال ۱۷ شهر قفقاز برای آگاهی‌رسانی ملت ایران ساخته شده و چه تعداد مقاله و یادداشت در رسانه‌های شیرداری و نوشتاری و مجازی به این رویداد تاریخی هرچند تلخ پرداخته‌اند تا مردم بر حقوق تاریخی کشور خود و آنچه سبب این تلخکامی‌ها شده آگاه شوند؟
بی‌توجهی رسمی به تبلیغ و ترویج هویت ملی و تاریخ و پیشینه هزاران‌ساله عنصری به نام «ایران» تا بدان جا پیش رفته که نه‌تنها از کمترین جایگاه و اولویتی در نهادهای رسمی دولتی برخوردار نیست، بلکه حتی رسانه ملی و برخی چهره‌های رسانه‌ای، دانشگاهی «ترتیب در اختیار» به خود اجازه همه نوع حمله، توهین، تحریف و انکار نسبت به هویت ملی ایرانی را می‌دهند.
در این میان، دست‌کاری و تغییر در متن سرود تاریخی و ملی «ای ایران» افکار عمومی جامعه ایرانی را جریحہ‌دار کرده است.
سرودی حماسی که در ۲۵ سال پیش و در بحبوحه دوران پرتلاطم جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین یعنی انگلیس، شوروی و آمریکا خلق شد و به‌عنوان یک سرود یگانه و ویژه، چنان‌خاطر مشترک همگانی میلیون‌ها ایرانی سراسر جهان، با روح ملت ایران درهم آمیخته و همچنان زنده و جاودان است؛ سرودی که آواز افتخار و یکپارچگی سرزمینی و غرور و وحدت و انسجام ملی را فریاد می‌زند.
روانشاد حسین کل گلاب، خالق این سرود حماسی، دیدن وضعیت اسفبار کشور، به‌ویژه اهتزاز پرچم اشغالگران بیگانه بر فراز یادگان استراتباد را الهام‌بخش خود بیان کرده است: «در سال ۱۹۴۴، در شرایطی که چکمه‌های نیروهای اشغالگر، هر وطن‌پرستی را می‌لرزاند، من ایده این شعر به ذهن رسید. سپس پروپوزس خاقلی موسیقی آن را نوشت و در برابر همه مقاومت‌های سیاسی، این ترانه راه خود را به دل و روح مردم پیدا کرد».
به‌راستی چرا آگاهی‌رسانی و پاسداشت تاریخ و فرهنگ و هویت ایرانی از کمترین اهمیتی برخوردار نیست؟
چرا بسیاری، دیواری کوتاه‌تر از هویت و تاریخ و فرهنگ ایرانی نمی‌بایند.

ادامه در صفحه ۱۵

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت شش‌دانگ یک دستگاه آپارتمان واقع در سمت جنوب شرقی طبقه چهارم به مساحت ۱۲۰/۷۶ متر مربع که مقدار ۷/۰۶ متر مربع آن مجموع پالکن ها است فقلعه ۲۵ تفکیکی به پلاک ۱۱۹۵۵ فرعی از ۶۷۱۸ اصلی مغروز و مجزی شده از پلاک ۲۰۱ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۲۵ باضمام شش‌دانگ یک واحد پارکینگ به مساحت ۱۱ متر مربع قطعه ۲۵ تفکیکی واقع درغرب زیرزمین اول جنوب پارکینگ ۲۶ و شش‌دانگ یک باب انباری به مساحت ۴/۰۸ متر مربع قطعه ۲۵ تفکیکی واقع در زیرزمین اول با قدرالسهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمان ها ذیل ثبت ۳۸۲۳۲۸ صفحه ۴۴ دفتر جلد ۲۵۰۸ به شماره چاپی ۸۴۳۷۵ مستندا به سند قطعی ۴۱۶۸۱ مورخ ۸۵/۹/۱۶ دفتر خانه ۳۲۷ تهران آقای احمد رضا زاهد شیخی صادر و تسلیم شده است اینک آقای سیدرضی فروردین وکالتا از طرف مالک طبق سند وکالت ۳۰۳۲۱۸-۹۷/۹/۱۷ دفتر اسناد رسمی ۳۹ زاهدان و درخواست وارده ۲۶۴۴۹-۱۱۵۱-۱۳۹۷۲۱۷-۹۷/۹/۲۴ با ارائه دو برگ استشهادیه که به امضای شهود رسیده است و ذیل آنها طی شماره ۱۰۲۹۲-۹۷/۹/۱۳ دفتر خانه ۱۹۷ تهران اعلام نموده است که اصل سند مالکیت به علت اسباب کثبی مفقود شده است تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده لذا مراتب در اجرای تبصره یک ذیل ماده ۱۲۰آیین نامه قانون ثبت آگهی می گردد تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله و وجود اصل سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ۱۰ روز از انتشار آگهی به این منطقه مراجعه و ضمن اعتراض نسبت به ارائه اصل سند مالکیت اقدام نماید. بدیهی است در چنین وضعیتی پس از تنظیم صورت جلسه مربوطه اصل سند مالکیت به ارائه کننده مسترد و پس از انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض و در صورت اعتراض عدم وصول سند مالکیت این منطقه نسبت به صدور المثنی سند مالکیت اقدام خواهد نمود.

م ف الم ۲۱۸۴۱ اداره ثبت اسناد و املاک لويزان